

تأثیر روش تدریس پژوهش محور در آموزش درس تاریخ (مطالعه موردی: دانش آموزان متوسطه دوم)

سیامک شهرکی^۱

چکیده

در عصر حاضر بر روش های فعال تدریس مبتنی بر نظریات شناختی و ساخت گرایانه تأکید می شود که فرض اصلی بر این است که هرچه میزان مشارکت دانش آموزان در آموزش افزایش یابد، یادگیری بیشتری صورت می گیرد، در این راستا، معلم نقش بسیار مهم و اساسی را برعهده دارد، زیرا علاوه بر نقش هدایتی، حمایتی؛ سازمان دادن به فعالیت های یادگیری دانش آموزان و رشد هماهنگ ابعاد وجودی آنان نیز به عهده اوست. مقاله حاضر به منظور بررسی کاربردی روش های تدریس فعال در آموزش درس تاریخ صورت گرفته است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش ابتدا روش های فعال تدریس بررسی می شود. روش انجام پژوهش به صورت کتابخانه ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. نتایج نشان می دهد روش های تدریس ایفای نقش، کار مشارکتی و گروه های کوچک در آموزش درس تاریخ کاربردی است. همچنین روش های تدریس اعضای تیم، جستجوی موقعیت و گردش علمی از جمله روش های تدریس کاربردی در آموزش تاریخ بیان شده است. در همین راستا یکی از بهترین روش های تدریس درس تاریخ، روش استقرایی و ساخت گرایانه عنوان شده است.

واژگان کلیدی: روش تدریس، پژوهش محور، درس تاریخ، آموزش تاریخ

^۱ کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مدرس درس تاریخ آموزش و پرورش زاهدان siyamakshahraki@gmail.com

مقدمه

جهان امروز جهان پرشگری و طرح مسئله است. تعلیم و تربیت و در رأس آن معلمان باید هم خود به ابزار پاسخگویی که همانا پژوهش و خردورزی است، مجهز باشند و هم این مهارت را به فراگیران بیاموزند. این کار مستلزم یاد گرفتن پژوهش است. آموزش و پرورش پژوهش - محور، ضرورت جهان امروز است. در قرن بیست و یکم مهارت‌های جدید مورد نیاز است. مهارت‌های یادگیری که دانش آموزان را با شایستگی‌ها و توانایی‌هایی برای رویارویی با چالش‌های ناشی از عدم قطعیت و جهان در حال تغییر آماده نماید. روش‌های جدید یادگیری که پژوهش - محورند، دانش آموزان را برای زندگی و کار کردن در یک محیط اطلاعاتی پیچیده آماده می‌کنند. در محیط پژوهشی دانش آموزان همواره با سوالاتی مواجه می‌شوند که برای دستیابی به پاسخ سوالات باید به درک و فهم بیشتری مجهز باشند. معلمان از این فرآیند حمایت می‌کنند و به مثابه منبعی برای پرورش مهارت‌های فکری و علمی مورد نیاز دانش آموزان در نظر گرفته می‌شوند. این کار در محیطی حمایتی اتفاق می‌افتد. محیطی که بر مبنای بحث آزاد، پرسش، ارزیابی انتقادی اطلاعات و شواهد شکل می‌گیرد. پژوهش به فرآیند جستجوی دانش و درک جدید و همچنین روش تدریس مبتنی بر این فرآیند اشاره می‌کند. یادگیری از طریق پژوهش، دانش آموزان را آماده می‌کند تا به پژوهشگران و یادگیرندگان مادام‌العمر تبدیل شوند (افضلی، ۱۳۸۹: ۵۱).

۱۲۸

در این فرآیند یکپارچه‌سازی محتوا به جای مجزا دیدن موضوعات، انتقال دانش و اطلاعات یکپارچه به جای اطلاعات مجزا شده، ایجاد جامعه‌ای از یادگیرندگان که با هم کار می‌کنند به جای کار کردن انفرادی و مجزا شده افراد و استمرار همکاری میان دانش آموزان و معلمان از ویژگی‌های آموزش و یادگیری پژوهش - محور است. الگوی پژوهش - محور الگویی جامع است که در بردارنده الگوی حل مسئله، اکتشافی، تفکر انتقادی و الگوی استقرایی است. یعنی این الگو جامع‌تر از هریک از الگوهای ذکر شده است. در این الگو پژوهشگر می‌تواند از هریک از الگوها یا ترکیبی از آنها به تناسب شرایط و موقعیت بهره بگیرد. در واقع این سوال پژوهش است که پژوهشگر را به سوی بهره‌گیری از الگوها هدایت می‌کند. یادگیری پژوهش - محور به مثابه چتری است که یادگیری مسئله - محور و سایر الگوها زیرمجموعه آن قرار می‌گیرند. موضوع اصلی در ماهیت یادگیری پژوهش - محور این است که آیا تمرکز بر یادگیری دانش موجود، اصل است یا ساخت دانش جدید. تمرکز در یادگیری مسئله - محور، تمایل به یادگیری دانش موجود دانش آموزان دارد. در حالیکه یادگیری پژوهش - محور با ساخت و تولید دانش جدید مرتبط است. یادگیری پژوهش - محور به دانش آموزان کمک می‌کند تا فرآیند پژوهش را در خود درونی کنند و از آن در موقعیت‌های گوناگون زندگی بهره بگیرند.

با وجود مطالعات و پژوهش‌های بسیاری که در زمینه تبیین مزایای کاربست رویکرد پژوهش‌محور در مدارس به عمل آمده، نتایج تحقیقات سطح رضایت‌بخشی را در زمینه پرورش توانایی تفکر انتقادی، قضاوت، استنباط،

استدلال، پرسشگری و پژوهش دانش آموزان نشان نمی‌دهد. بسیاری از دانش آموزان در جامعه کنونی فاقد مهارت‌های تفکر انتقادی، قدرت تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده و مواجهه با مسائل سطح بالا هستند. شرایط سنتی حاکم بر مدارس ما سبب شده است که راه جستجو و کاوش و کشف بر دانش آموزان بسته شود، استقلال عمل تا حدودی از آنها گرفته شده و به جای محوریت دانش آموزان در مدرسه، همه مسئولیت‌ها و اختیارات معطوف به معلم شود. همچنین معلمان بعنوان دست‌اندرکاران اصلی تعلیم و تربیت نه تنها علاقه‌ای به امر پژوهش نشان نمی‌دهند بلکه اکثر آنان صرفاً بر نقش آموزشی خود متمرکز شده‌اند و انگیزه‌ای برای انجام دادن پژوهش ندارند. نتایج به دست آمده از بررسی‌هایی که در زمینه صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان انجام شده، بیانگر پایین بودن دانش حرفه‌ای معلمان است. معلمان از مهارت‌های حرفه‌ای لازم برخوردار نیستند، با روش‌های سنتی کار می‌کنند و اطلاعات‌شان روزآمد نیست. در یک کلاس سنتی نقش معلم انتقال دانش به دانش آموزان است. در این کلاس‌ها دانش آموزان در زمینه یادگیری مفاهیم درسی، کمتر با موقعیت‌های چالش‌برانگیز مواجه می‌شوند، فرصت‌های کمتر برای تعامل، همفکری، بحث و گفتگو با معلم و همکلاس‌ان خود دارند؛ در این دیدگاه فرآیند یاددهی-یادگیری پویایی و کارایی لازم را ندارد. از این رو قرار دادن دانش آموزان در موقعیتی که در آن آموزش و یادگیری کارایی لازم را ندارد، نظام آموزشی را در تامین نیروی انسانی توانمند در دراز مدت با مشکل مواجه می‌سازد که این مغایر با اهداف عالی تعلیم و تربیت است (بازرگان، ۱۳۷۶: ۹۱). لذا ضرورت ایجاد می‌نماید که برای رفع مشکل نظام آموزش و یادگیری در پی راه‌های برون‌رفت ۱۲۹ باشیم. یکی از این راه‌ها، تغییر در سیستم آموزش و یادگیری و هدایت آن به سوی پژوهش-محوری است. باتوجه به آنکه رویکرد پژوهش-محوری در مدارس به منزله یکی از اهداف اساسی تعلیم و تربیت در دوره‌های مختلف تحصیلی برگزیده شده و در اسنادی چون سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) و سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱) مورد تاکید قرار گرفته است، نوعی ظرفیت قانونی به حساب می‌آید که عملیاتی کردن آن باید در برنامه نظام آموزشی قرار گیرد. بر این اساس سوال اصلی پژوهشگر این است که برای طراحی مدلی بومی در زمینه آموزش و یادگیری پژوهش-محور چه شاخص‌هایی باید مورد توجه قرار گیرند؟

۱- تعریف و ویژگی‌های روش تدریس پژوهش‌محور

یکی از اندیشه‌های نوین در زمینه موضوع‌های درسی متعدد این است که دانش آموزان می‌توانند روش پژوهش ویژه هر درس را فرا گیرند. به دیگر سخن، برای هر موضوع درسی، روش یا الگوی پژوهشی خاصی وجود دارد. نظریه‌پرداز اصلی شیوه پژوهش ریچارد ساچمن است. اندیشمندانی چون ساچمن، برونر، تابا و آزوبل معتقدند که انسان‌ها بطور طبیعی محقق و پژوهشگرند. برای یادگیری شیوه پژوهش، فراگیران باید مهارت‌ها و

توانمندی‌هایی را در زمینه جستجوی اطلاعات و آماده‌سازی اطلاعات به دست آورند و تا حدودی اصول مربوط به منطق و علت و معلول را دریابند. بنابر نظر ساچمن، عموم دانش آموزان توانایی آن را دارند که فرایند پژوهش را پیگیری کنند. همچنین او باور دارد که به صورت مستقیم می‌توان پژوهش کردن را به کودکان آموخت. هدف نهایی از بکارگیری این روش، پرورش فراگیرانی محقق و متکی به خود است.

آموزشگران طی سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند راه‌هایی برای تغییر در رویکرد آموزشی بیابند تا اثربخشی فرایند یاددهی-یادگیری را ارتقا داده و شوق یادگیری را در یادگیرنده ایجاد کنند (پاکدل، ۱۳۸۲: ۱۰۲). یادگیری پروژه محور یکی از این رویکردهای تازه است. از رسالت‌های بسیار اساسی برنامه‌ریزان و مدیران تعلیم و تربیت پژوهش محور کردن آموزش‌هاست. بطوریکه تداوم غیبت در فرایند یادگیری موجب تداوم ناکافی آموزش و پرورش خواهد بود. رشد و توسعه علمی از طریق پژوهش مدار کردن حاصل می‌شود و در پناه توسعه تفکر پژوهشی است که کشورها می‌توانند به جای مصرف اندیشه‌های دیگران به تولید علم و اندیشه‌ورزی بپردازند. همچنین از طریق تفکر پژوهشی در دانش آموزان می‌توان زمینه‌های فکری و عملی لازم برای رسیدن به اهداف بلندمدت آموزش و پرورش را ایجاد نمود (جاویدی، ۱۳۹۳: ۵۱).

چنین نظام تربیتی در پیشینه تاریخی تعلیم و تربیت بعنوان تعلیم و تربیت پژوهش محور مشهور گردیده است. هدف این نوع از تعلیم و تربیت پرورش انسان‌هایی با انگیزه و مهارت در جستجوی حقیقت، شناخت شیوه‌های به دست آوردن اطلاعات، فهم و تحلیل این اطلاعات و ارزیابی و کاربست نتایج به دست آمده می‌باشد. این رویکرد از اوایل دهه ۱۹۶۰ از محدوده نظریه خارج و سرانجام از دهه ۱۹۸۰ بعنوان رویکرد غالب در کشورهای پیشرفته وارد عرصه‌های علمی و آموزشی گردیده است.

یادگیری پژوهش محور پیشینه‌ای طولانی دارد. در اوایل سال‌های ۱۹۰۰، جان دیویی با پشتیبانی از نظریه یادگیری با انجام دادن در واقع به مفهومی شبیه یادگیری پژوهش محور اشاره کرده است. این گرایش همچنین در مکتب ساختارگرایی هم بازتاب داشته باشد. ساختارگرایی توضیح می‌دهد که افراد دانش را از طریق ارتباط با محیط‌شان می‌سازند و ساختار دانش هر فرد با دیگری متفاوت است. در نتیجه تحقیق، صحبت با دیگران، یا انجام فعالیت‌های مختلف، هر فرد در حال یادگیری از طریق ساخت دانش تازه بر مبنای دانسته‌های قبلی خود است. همانطور که قابل انتظار است، این مفاهیم در واقع پایه‌های یادگیری پژوهش محور و رویکرد آن به آموزش و یادگیری هستند (فضلی خانی، ۱۳۸۵: ۳۱).

ساختارگراها اغلب تاکید می‌کنند که دانش و مفاهیم تا حد زیادی اجتماعی هستند و نمی‌توانیم آنها را بطور انفرادی بنا کنیم. ساختارگرایان فرض را بر این می‌گذارند که دانش آموزان خودشان باید دانش را خلق کنند یا دوباره پدید آورند. برای یک یادگیرنده، داشتن نقش فعال، موضوع اصلی است و در عمل، جنبه‌های اجتماعی و خلاقانه‌ای با این نقش همراه‌اند. از نظر طبقه‌بندی، ساختارگرایی جزء روش‌های فعال و اکتشافی

است که بر تولید، کنترل و تعمیم دانش تاکید می‌کند. در این فرایند معلم و همه امکانات تسهیل کننده هستند و جزء خدمات آموزشی به حساب می‌آیند؛ بنابراین، در این روش، دانش آموز نقش اساسی را ایفا می‌کند.

یادگیری پژوهش محور ریشه در نظریه سازنده‌گرایی دارد. خاستگاه اصلی سازنده‌گرایی روانشناختی نظریه تحول شناختی پیاژه است. او معتقد است که فرد براساس عمل به شناخت می‌رسد، بنابراین فرایند یادگیری نسبت به موضوع یادگیری، اهمیت بیشتری دارد. باتوجه به این اصل فرائیبات‌گرایی که واقعیت جنبه روانشناختی دارد و دانش ساخته و پرداخته ذهن آدمی است، آموختن ساختن معنا در پی تجربه است و آموزندگان براساس تجربه شخصی خود و تفسیر آن، دانش را فعالانه می‌سازند می‌باشد (فضلی خانی، ۱۳۸۵: ۳۳).

یادگیری پژوهش محور الگویی است که یادگیری را بر محور پروژه‌ها سازماندهی می‌کند. براساس تعریفی که در راهنمای این روش برای معلمین مطرح شده، پروژه‌ها فعالیت‌های پیچیده‌ای هستند براساس سوالات یا مسائل چالش برانگیز که دانش آموزان را درگیر کار طراحی، حل مسئله، تصمیم‌گیری، و فعالیت‌های تحقیقی می‌کنند؛ به دانش آموزان فرصت کار نسبتاً مستقل را در بازه‌های طولانی زمانی می‌دهند؛ و در پایان منجر به تولیدات و یا ارائه‌های واقع‌گرایانه می‌شوند.

در الگوی تدریس پژوهش محور، معلم دانش آموزان را در موقعیت مسئله قرار می‌دهد و چند سوال جالب و تفکر برانگیز از متن درس طراحی می‌کند، سپس دانش آموزان شیوه اجرا را نظم می‌دهند. اطلاعات را جمع‌آوری و نتایج پژوهش را استخراج می‌کنند، آنگاه از یافته‌های پژوهش گزارشی تهیه می‌کنند و به کلاس ارائه می‌دهند.

موضوع پژوهش را می‌توان به گونه‌ای تعیین کرد که مورد توجه همه دانش آموزان قرار گیرد. در این حالت تعداد بیشتری از دانش آموزان در کار پژوهش شرکت خواهند کرد. چنانچه موضوع پژوهش تنها مورد علاقه جمع خاصی از دانش آموزان باشد، تعداد شرکت کننده‌ها در پژوهش محدود خواهد بود. در اجرای این الگو توصیه می‌شود که انجام پژوهش به صورت گروهی باشد. در یادگیری مبتنی بر پژوهش، دانش جدید از طریق محرک‌های حسی توسط ترکیب دانش قبلی با دانش جدید دانش آموزان گنجانده شده است. یادگیری مبتنی بر پژوهش به روش‌های علمی که دانشمندان جهان را مطالعه کرده‌اند؛ اشاره می‌کند توضیحات مبنی بر شواهد به دست آمده از مطالعات آنها می‌باشد. این روش یادگیری منجر به توسعه دانش و درک کامل ایده‌های علمی دانش آموزان می‌شود و دانش آموزان را به چگونگی کار دانشمندان آشنا می‌کند.

به گفته ریچاردسون، «ویژگی این آموزش عبارتند از یادگیری اکتشافی و فعالیت‌های عملی، تکالیفی که موجب می‌شود دانش آموزان مفاهیم و فرایندهای فکری موجود را به چالش بگیرند؛ و فنون پرسشگری که باورهای دانش آموزان را می‌کاوند و استفاده از امتحان‌ها و آزمون‌هایی که این باورها را تشویق می‌کنند» (کرامتی، ۱۳۸۴: ۳۷).

موقعی که دانش آموزان بطور فعالانه و تعاملی و در خلال گفتگو پیرامون برنامه‌های درسی مشغول هستند، توزیع مجدد قدرت، کنترل و مسئولیت به ارتباط بین معلم و شاگرد بر می‌گردد؛ و آنان در همه این مسائل با هم سهیم هستند. همین امر زمینه ارتقا سطح موقعیت یادگیری می‌شود. با گسترش فلسفه سازنده‌گرایی معلم هر رشته می‌تواند محیط کلاسی خلق کند که در آن دانش آموزان یادگیرندگان مستقلی خواهند بود. روش تدریس پژوهش محور، که یکی از روش‌های فعال و فرایند محور تدریس است که برپایه سوال‌های چالش‌برانگیز و موقعیت‌های مبهم استوار است و به دانش آموزان فرصت داده می‌شود تا طراحی و تصمیم‌گیری نموده و مساله را حل نمایند. در واقع در روش تدریس پژوهش محور دانش آموزان با مشارکت هم به دنبال یافتن موقعیت‌های مبهم و مساله محور می‌باشند. فراگیران به جای کسب دغدغه علمی، باید به روش کسب آنها توجه کنند و به جای حفظ کردن حقایق علمی بیاموزند که چگونه شخصا فکر کنند، تصمیم بگیرند و درباره امور مختلف قضاوت کنند. در این شیوه علاوه بر شنیدن، مولفه‌های مهمی همچون مشاهده، پرسش، تفکر، کاوشگری، آزمایش و استدلال مورد توجه قرار می‌گیرند تا فراگیران از همان ابتدای تحصیل به توانمندی تفسیر و قضاوت و نظریه‌پردازی مجهز شوند. دیدگاه پژوهش محور، بیان می‌دارد در این روش، فراگیران بطور فعال دانش خود را توسعه می‌دهند و به این صورت که، علم خود را از طریق ترکیب با دانش علمی موجود، استدلال و مهارت‌های تفکر به دست می‌آورند (آزمون و حسنلو، ۱۳۹۱: ۶۴).

برای این منظور برنامه درسی باید بگونه‌ای تنظیم شود که دانش آموزان در چاره‌جویی مسائل درسی، نظارت مستقیم داشته باشند؛ زیرا برخورد با مطالب درسی و کوششی برای آموختن، شاگردان را در فهم درست و نادرست و شایستگی و ناشایستگی سهیم می‌کند. تدریس پژوهش محور مستلزم هوش، خلاقیت، تمرین و پاسخگویی است و معلمان باید بتوانند مطابق با شرایط کلاس یا دانش آموزان طرح‌های خود را تطبیق دهند. در این روش، یادگیری معنادار و خودمختار تشویق می‌شود و احساس مسئولیت و خودمختاری ارتقا می‌یابد، چرا که تدریس پژوهش محور موجب دستیابی دانش آموزان به اهداف مطلوب می‌شود.

بعد از بیان تعریف درخصوص روش تدریس پژوهش محور، به بیان ویژگی برنامه درسی پژوهش محور پرداخته خواهد شد که شامل موارد ذیل است:

- ۱) پروژه باید جنبه مسئله‌ای داشته باشد یعنی باید مسئله‌ای در ذهن دانش‌آموزان به وجود آید تا آنان در حل آن بکوشند؛
- ۲) پروژه باید برای فعالیت به اندازه کافی وسیع و گسترده باشد؛
- ۳) طرح‌ریزی، همچنین انتخاب و استفاده از منابع و وسایل باید با مسئولیت دانش‌آموز انجام شود؛
- ۴) پروژه باید جنبه عملی و اجرایی داشته باشد و صرفاً یک مسئله نظری نباشد؛
- ۵) محور پروژه باید فعالیت دانش‌آموز و انگیزه درونی او باشد، نه تنظیم منطقی موضوع از طرف معلم؛
- ۶) تأکید بر مهارت‌های ذهنی؛
- ۷) مسائل معنادار؛
- ۸) مفهوم‌سازی؛
- ۹) تدریس دوسویه (احمدی، ۱۳۹۱: ۸۲).

در مدل آموزش پژوهش‌محور، یادگیری یک چرخه تکرار شونده است که از پنج مرحله تکرار شده است. (۱) مرحله اتصال؛ (۲) مرحله فعال‌سازی؛ (۳) مرحله ارائه؛ (۴) مرحله استحکام و گسترش ایده‌ها؛ (۵) ارزشیابی. اما مجموعه معیارهایی که برای انتخاب اهداف برنامه درسی پژوهش‌محور در نظر گرفته می‌شود به این ترتیب است:

- ۱) هدف‌های تربیت با توجه به ویژگی‌های فراگیران بیان می‌شود.
- ۲) هدف‌های تربیت از صافی عقلانیت مشارکتی و ارتباطی عبور می‌کند.
- ۳) هدف‌های تربیت از تلاش مستمر پژوهش‌انسان در قلمروهای مختلف دانش بشری استخراج می‌گردد.
- ۴) اجرای هدف‌های تربیت با چالش فراوان همراه است.
- ۵) هدف‌های تربیت با جنبه‌های مختلف تربیت انسان هماهنگ است.

شیوه یادگیری پژوهش‌محور خود دارای زیرمجموعه‌ای به نام یادگیری مسئله‌محور است. این شیوه یادگیری دانش‌آموز محور، مربی تسهیل‌کننده یادگیری است. در واقع در این شیوه یادگیری، دانش‌آموزان خود به حل مسئله و پس از آن به تامل در تجربیات‌شان می‌پردازند (بهرنگی و آقایی، ۱۳۸۳: ۶۷). به نظر مدافعین این روش، یادگیری پژوهش‌محور یک رویکرد پویا به تدریس است که در آن دانش‌آموزان مسائل و مشکلات دنیای واقعی را کندوکاو می‌کنند و همزمان، با شرکت در فعالیت‌های گروهی مهارت‌های فراتر از برنامه درسی به دست می‌آورند. چون این روش متمرکز بر یادگیری فعال دانش‌آموزان است، آنها را تشویق به فهم عمیق‌تر دانش پیش‌رو می‌کند. از آثار و پیامدهای مورد انتظار یادگیری در این نوع از برنامه درسی علاوه بر دانش علمی، مهارت در روند تحقیق و تعهد نسبت به پژوهش، وسعت دید و روحیه همکاری است. با توجه به این تأکیدات تلقی این برنامه از یادگیرنده، شخصی فعال است که دائماً از طریق پژوهش به

ساخت تفکر می‌پردازد و معلم نیز با نظم و سازمان دادن محیط یادگیری به منزله راهنما عمل می‌کند که بطور فعال از مراحل یادگیری، یادگیرنده را همراهی می‌نماید (پاشاشریفی و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۴).

۲- محاسن و محدودیت‌های روش تدریس پژوهش محور

۲-۱- محاسن روش تدریس پژوهش محور

از جمله محاسنی که برای این روش تدریس می‌توان برشمرد به شرح زیر است:

- ۱) رابطه مناسبی بین معلم و دانش آموز ایجاد می‌کند و باعث تشویق دانش آموز به یادگیری می‌شود؛
- ۲) چون دانش آموز در طرح و هدف و فعالیت‌ها سهیم است؛ بنابراین تمایل زیادی به یادگیری دارد؛
- ۳) با این روش، اعتماد به نفس دانش آموزان و جرات آنها در اظهار نظر تقویت می‌شود؛
- ۴) این روش، رغبت دانش آموزان به فعالیت تریبی و نیز تحمل آنها را در برابر عقاید مخالف افزایش می‌دهد؛
- ۵) در این روش، حس همکاری دانش آموزان تقویت می‌شود؛
- ۶) یادگیری، عمیق و پایدار می‌شود؛
- ۷) مطالعه، استفاده از منابع، نوشتن و تنظیم مطالب سبب تقویت انشاء، خط و افزایش معلومات می‌شود؛
- ۸) از امکانات آموزشی حداکثر استفاده به عمل می‌آید؛
- ۹) دانش و معلومات وضع پیوسته‌ای پیدا می‌کند؛
- ۱۰) بین مفاهیم آموخته شده و مسائل واقعی زندگی، ارتباط منطقی برقرار می‌شود (جهانی، ۱۳۹۷).

۱۳۴

و در این نوع روش تدریس دانش آموزان به سمت تفکر هوشمندانه سوق داده می‌شوند و در واقع تفکر هوشمندانه به دنبال گذر از مسائل است بنابراین ایده‌آل‌گرا نیست و از اینکه در میانه راه چند قدم اشتباه نیز بردارد، ابایی ندارد. این روش به جای اینکه موانع را از میان بردارد، در جستجوی راهی از میان موانع است تا از آن عبور کند. تفکر هوشمندانه به جای اینکه به دنبال جواب باشد، در جستجوی سوال درست است. تفکر هوشمندانه در برخورد با مسائل چگونگی راه‌حل را نمی‌جوید بلکه می‌گوید چه کسی می‌تواند این مسئله را حل کند. بنابراین تنها توانایی که با تجهیز دانش آموزان به آن می‌توان از رشد روزافزون قابلیت‌های نیروی انسانی در آینده اطمینان حاصل کرد، ایجاد توانایی پژوهشگری و مهارت‌های مربوط به آن در ایشان است. عبارتی مدارس باید توانایی‌های پژوهشگری از جمله تفکر انتقادی، حل مساله و آفرینندگی دانش آموزان را در آنچه می‌بینند، آنچه می‌شنوند و می‌خوانند پرورش دهند. مدارس باید بتوانند به دانش آموزان کمک کنند تا عقاید را از حقایق، سفسطه را از استدلال منطقی، شایستگی را از عدم شایستگی به ویژه در فرهنگ‌هایی که از هر سو تحت بمباران اطلاعات مختلف قرار دارند تشخیص دهند و در افزایش حقایق و بنا کردن عقاید خویش فعالانه مشارکت نمایند (سلسبیلی، ۱۳۹۵: ۸۱).

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که یادگیری پژوهش محور به دانش آموزان کمک می‌کند تا خلاق تر، مستقل تر و مثبت تر شوند. این روش به خصوص برای افرادی که نیاز دارند تا در فرایند یادگیری شان مورد توجه قرار گیرند مفید است.

۲-۲- محدودیت‌های روش تدریس پژوهش محور

- روش پروژه، تقسیمات رسمی مباحث درسی و جدایی رشته‌ها را، که برحسب برنامه رسمی تعیین شده است، از بین می‌برد؛
- ممکن است در این روش وقت زیادی تلف شود؛
- فرصت زیادی برای تمرین و فعالیت دسته جمعی کلاس موجود خواهد بود؛
- پروژه‌هایی که متناسب وضعیت رسمی مدارس باشد کم است؛ البته این موضوع بستگی به وضع مدرسه از لحاظ مترقی بودن و انعطاف پذیری برنامه و آمادگی معلمان برای اجرای پروژه و حدود رابطه مطلوب مدرسه با معلمان و اولیای دانش آموزان دارد؛
- احتیاج به امکانات فراوان و معلمان چیره دست دارد.
- بیشتر اوقات موقعیت کلاس برای تشکیل گروه‌های کوچک مناسب نیست.
- موفقیت این روش به توانایی و علاقه دانش آموزان بستگی دارد (شیرزاد، ۱۳۹۱: ۸۰).

۱۳۵

۳- مقایسه روش تدریس سنتی و روش تدریس پژوهش محور

امروزه آموزش و پرورش سازمانی است که خطرترین نقش را در جامعه ایفا می‌نماید، از طرفی هنجارها و ایده‌آل‌های جامعه را به نسل جدید انتقال می‌دهد و از طرفی دیگر در تلاش است تا متناسب با زمان و همگام با پیشرفت تکنولوژی به آموزش و پرورش افراد جامعه و حل مسائل اقدام نماید. در این فرایند، تمام نهادهای جامعه نقش دارند، ولی نقش اساسی را آموزش و پرورش برعهده دارد. مهمترین مولفه در آموزش و پرورش «فرایند یاددهی و یادگیری» می‌باشد.

جدول (۱) مقایسه روش تدریس سنتی و روش تدریس پژوهش محور

ردیف	روش سنتی	روش پژوهش محور (فعال)
۱	در روش سنتی یادگیری در سطح دانش است.	اما در روش پژوهش محور یادگیری در سطح کاربرد است.
۲	محفوظات ذهنی دانش آموزان در روش سنتی بالا می‌رود و در جلسه امتحان آنچه را در ذهن دارند به خاطر می‌آورند.	دانش آموزان در روش پژوهش محور می‌آموزند که با آزمون و خطا و تبادل دانسته ایشان با دیگران، مطلب را بیاموزند و در ذهن ماندگار کنند.

۳	در روش سنتی معلم متکلم وحده است و کمترین همکاری و مشارکت از سوی شاگردان در کلاس دیده می‌شود.	اما در روش پژوهش محور معلم ناظر بر تدریس است و کلاس توسط شاگردان اداره می‌شود.
۴	هدف نهایی در روش سنتی کسب نمره بالا توسط دانش‌آموزان است و اینکه مطالب پس از مدتی فراموش شوند اهمیتی ندارد.	اما هدف در روش پژوهش محور یادگیری مفاهیم و کاربرد آن‌ها در زندگی روزمره است.
۵	در روش سنتی دانش‌آموزان به سوال‌ها پاسخ کلیشه‌ای می‌دادند حتی پاسخ‌ها از طریق معلم به آنها داده می‌شد.	در روش فعال دانش‌آموزان نظریات متعددی دارند (واگرا) ولی به نتیجه‌ای مشخص و مطلوب می‌رسند (همگرا).
۶	دانش‌آموزان به روش سنتی داستان‌های تکراری با یک پایان مشخص می‌خواندند و یا برایشان می‌خواندند.	ولی در روش فعال داستان‌ها پایان مشخصی ندارند و خودشان می‌توانند پایان داستان را تغییر بدهند یا خودشان نویسنده بشوند و داستان بنویسند آنها ذهن خلاق دارند.
۷	دانش‌آموزان با روش سنتی کنجکاو نبودند زیرا انگیزه‌ای برای این کار نداشتند.	دانش‌آموزان با روش فعال مایل به بیشتر دانستن هستند.
۸	در روش سنتی به عقاید بچه‌ها توجه نمی‌شد.	در روش خلاق ابراز عقیده مهم است.
۹	در روش سنتی اگر دانش‌آموز به یک سوال پاسخ خنده‌دار می‌داد او را مسخره و توبیخ می‌کردند.	در صورتی که در روش فعال مسخره کردن ممنوع است.
۱۰	در روش سنتی نظریه‌ها یکی است.	ولی در روش فعال نظریات متعدد است (واگرا). ولی همه به یک نتیجه مطلوب و مشخص می‌رسند (همگرا).
۱۱	در روش سنتی دانش‌آموزان از شکست می‌ترسیدند.	در روش فعال از شکست نمی‌هراسند.
۱۲	در روش سنتی سیستم نمره‌گذاری معمول بود.	ولی در روش فعال نمره داده نمی‌شود.
۱۳	در روش سنتی دانش‌آموزان با هم رقابت می‌کردند.	در روش فعال ما متوجه شدیم رقابت کشنده خلاقیت است.
۱۴	در روش سنتی پاسخ دانش‌آموزان مشخص بود.	در روش فعال پاسخ‌ها ابتکاری و غیرمعمول است و حتی خنده‌دار.
۱۵	در روش سنتی دانش‌آموزان جرأت نداشتند روی حرف معلم و بزرگترها حرفی بزنند و بدون چون و چرا می‌پذیرفتند.	در روش پژوهش محور خیلی راحت با معلم بحث و گفتگو می‌نشینند.
۱۶	در روش سنتی دانش‌آموزان با هم مقایسه می‌شدند.	ولی در روش فعال هر دانش‌آموز با خودش مقایسه می‌شود.

۴- جایگاه آموزش تاریخ در زندگی و اجتماع بشر

می‌دانید که هزاران سال از عمر انسان بر روی زمین می‌گذرد و از قدیمی‌ترین دوران تاکنون تغییرات زیادی بر زندگی او پدید آمده است. تاریخ سرگذشت زندگی اجتماعی انسان است، سرگذشتی بسیار طولانی و خود از ماجراهای بسیاری تشکیل شده است تاریخ حکایت طولانی انسان‌هاست. داستان گذر بشریت از مرزهای حیوانیت تا برپا کردن تمدن‌های بزرگ. انسان‌ها در نسل‌های پی در پی، حاصل دسترنج گذشتگان خود را توسعه دادند و به پیش رفتند. روزگاری انسان‌ها به صورت بسیار ابتدایی می‌زیستند، هنوز نه ابزاری ساخته شده بود و نه حیوانی اهلی شده بود، نه آتش و فلزات کشف شده بودند و نه دهکده‌ها و شهرها پدید آمده بودند. خط نیز اختراع نشده بود تا از این طرق تجربه‌های نسل‌های پی در پی اندوخته شود و به نسل‌های بعد منتقل گردد. بنابراین زندگی انسان بسیار سخت می‌گذشت. با گذشت زمان بر تجربیات انسان افزوده شد و به تدریج توانست ابزار بسازد، کشاورزی کند، خانه بسازد، وسایل حمل و نقل تهیه کند و روز به روز بر طبیعت تسلط بیشتری یابد.

تمدن‌ها از پی هم ظاهر شدند و به مرور و در طی قرن‌ها، هنر و معماری و علوم و دیگر دستاوردهای انسانی را گسترش دادند. انسان این موجود پیچیده، گاه فجایع فراوان به بار آورد و گاه عالی‌ترین نمونه‌های انسانیت را به پیشگاه تاریخ معرفی نمود. اما به هر حال باید دانست که هرچه شده است، حاصل دسترنج خود انسان است. هر ملتی در طول تاریخ خویش درباره آنچه که بر او گذشته است، درخصوص بسیاری از مسائل، قضاوتی^{۱۳۷} یکسان و احساسی مشترک می‌یابد. در نتیجه، با گذشت زمان صاحب فضای فرهنگی واحدی می‌شود که در آن فضا تنفس می‌کنند، می‌اندیشند، قضاوت می‌کنند و آرمان‌ها و آرزوهای خود را می‌یابند.

در این میان، به وجود آوردن وحدت ملی و تمامیت ارضی، برقراری حاکمیت ملی و اثبات موجودیت آن، و حفظ هویت ملی، از اهم کارکردهایی است که علم و درس تاریخ در تحقق آنها نقش کلیدی، اساسی و زیربنایی دارد. با علم و درس تاریخ نمی‌توان از دیدگاه منفعت‌خواهی مادی، و زودگذر و آنی برخوردار کرد. نیز نمی‌توان در مورد پرداختن بدان با امساک و کوتاه‌نظری نگریست. اهمیت و ضرورت تاریخ برای حیات هر ملت مصونیت‌های لازم را برای حفظ خویش در بحران‌های هر عرصه به دست می‌آورد. بحران هویت، بحران ارزش‌ها، بحران فرهنگ‌ها، بحران جهانی شدن، بحران رسانه‌ها، بحران خرده فرهنگ‌ها و مانند آنها، با بهره‌گیری از تاریخ اگر مرتفع هم نشود، کاهش اساسی می‌یابد. آنان که خود را یک ملت می‌دانند و به موجودیت خویش بعنوان یک ملت آگاهی دارند، میان خود پیوندی ناگسستنی احساس می‌کنند و ناگزیر آنان احساسات، علایق، ارزش‌ها و آرمان‌های خویش را مشترک می‌یابند. از این‌روست که هر ملتی هویت و شخصیت خاص خود را دارد (سلیمان-پور، ۱۳۸۰: ۶۱).

۵- اهمیت و ضرورت آموزش تاریخ

قرآن انسان‌ها را به مطالعه تاریخ دعوت کرده است، چهارده بار (هفت بار به صورت امر، هفت بار به صورت استفهام انکاری که بار تأکیدی شدیدی دارد) و در هر بار تقریباً با یک مضمون، انسان‌ها را به گردش روی زمین و مطالعه احوال ملت‌های سابق دعوت کرده است. قرآن در این سطح به انسان امکان می‌دهد با عقل خود و روش‌ها و بینش‌های متعدد و متکثر که در طول زمان شکل می‌گیرند به مطالعه تاریخ بپردازد. تعلیم و تربیت بعنوان رکن اساسی شکل‌گیری تمدن بشری، همواره متکی به بهره‌گیری از سیره و سرگذشت انبیای الهی بوده است و خواهد بود. از این رهگذر، درس تاریخ با عنایت به سیره انبیا (ع)، کارکرد تربیتی بسیار مهمی می‌یابد. از همین‌رو، مورخان همواره بر نقش تربیتی تاریخ تأکید بسیار کرده‌اند. ملت‌ها از تاریخ ملی خود بعنوان سپر و سنگری برای دفاع از موجودیت و هویت خویش بهره می‌گیرند. جوامع بشری همانگونه که با ابزار و شیوه‌های گوناگون به صیانت از خویش می‌پردازند، دانش تاریخی خود را به صورت همگانی به آحاد افراد جامعه انتقال می‌دهند تا بدین ترتیب زمینه‌های روحی حفظ موجودیت را فراهم سازند. تاریخ چند هزار ساله این سرزمین و افتخارات علمی، ادبی، هنری، دینی و تمدنی این سرزمین، عامل بسیار تعیین‌کننده و مهمی در شکل‌گیری هویت ملی ماست که باید نسبت به غنای علمی و پیشرفت تحقیقی آن کوشید. در همین حال، درس تاریخ را از دبستان تا دانشگاه سنگری استوار در نظر گرفته که در پناه آن از تندباد حوادث طی قرون و اعصار مصون مانده‌ایم. لذا هم معلم تاریخ باید به اهمیت و راهی که برعهده دارد، بیشتر واقف باشد و هم مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و سیاسی کشور توجه خاصی به این امر مبذول دارند. تاریخ بشر سرگذشت خانواده بسیار بزرگی است که «جامعه شهری» نامیده می‌شود. ما در تاریخ با زندگی مردمی آشنا می‌شویم که در دوران‌های مختلف با عقاید و آداب و رسوم گوناگونی زندگی می‌کرده‌اند و هرکدام یادگارهایی از خوبی و بدی، آبادانی و ویرانی باقی گذاشته‌اند (یوسفی، ۱۳۹۲: ۵۱). تاریخ سرگذشت انسان‌های گذشته و شرح چگونگی زندگی، حکومت، اعتقادات و دیگر چیزهای مربوط به آنها است. مطالعه تاریخ ما را به گذشته باز می‌گرداند تا کارهای مردمی را که از این جهان رفته‌اند، ببینیم و سخن کسانی را که امروز خاموش‌اند، بشنویم و از آنها درس عبرت بیاموزیم. همچنین با مطالعه تاریخ می‌توانیم علت‌های پیشرفت و سعادت مردان و زنان بزرگ نظیر دانشمندان و هنرمندان را دریابیم. با مطالعه زندگی مردمان گذشته در می‌یابیم که هیچگاه مردمی شکست نمی‌خورند مگر زمانی که تفرقه، فساد و گناه در میان‌شان رواج یابد. هیچ طالعی بر مردم مسلط نمی‌شود مگر آنکه مردم از تشویق یکدیگر به خوبی و منع یکدیگر از بدی دست بردارند و در می‌یابیم که هیچ فرد و جامعه‌ای به سعادت و رستگاری نمی‌رسد و مگر با کار و کوشش، ایمان به خدا، ایثار و گذشت. سیاستمداران برای موفقیت در کار خویش ناچارند، هم تاریخ سرزمین خود و هم تاریخ کشورهای دیگر را بدانند. ادیبان برای شناخت و فهم اشعار و نوشته‌های زمان‌های قبل از مطالعه تاریخ آن عصر کمک می‌گیرند.

هنرمندان با مطالعه آثار هنری قبل از خود و اوضاع و احوال مربوط به آن آثار و نیز بررسی سرگذشت ابداع کنندگان آنها، نگرشی عمیق می‌یابند و در کار خود موفق‌تر می‌شوند. حتی ورزشکاران پس از چندی احساس می‌کنند که باید از ماجراهای ورزشی مربوط به دوران قبل از خود یعنی تاریخ ورزش آگاهی یابند. مهمترین فایده‌های مطالعه تاریخ، گسترش افق دید انسان، آشنایی با سایر ملت‌ها و تمدن‌ها، تربیت و هدایت انسان‌ها، پیش‌بینی آینده، شناخت بیشتر انسان، تفاهم و همگرایی جهانی، آشنایی با دانشمندان و بزرگان، اقناع حس کنجکاوی انسان، قدرشناسی نسبت به گذشتگان، خودشناسی، علاقه به میهن و حفظ آن، شناخت فرهنگ و تمدن خویش. اهمیت و ضرورت آموزش تاریخ در سه حیطه، تاریخ و هویت‌بخشی، تاریخ و وحدت ملی و عبرت‌آموزی از تاریخ بطور خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد (یوسفی، ۱۳۹۲: ۵۳).

۵-۱- تاریخ و هویت‌بخشی

هویت، فرآیند پاسخگویی آگاهانه هر فرد یا قوم یا ملت به پرسش‌هایی از خود است؛ از گذشته خود که چه کسی بوده و چه هست؟ به عبارت دیگر، متعلق به کدام قوم، ملت و نژاد است؟ خاستگاه اصلی و دائمی‌اش کجاست؟ دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و چه نقشی در توسعه تمدن جهانی داشته و امروزه صاحب چه جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی است؟ گاهی اشتراک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی است. «هم تاریخ‌پنداری» پیوند دهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر و مانع جدا شدن یک نسل از تاریخ‌اش می‌شود؛ از این‌رو هر جامعه‌ای با هویت تاریخی خود تعریف و ترسیم می‌شود هویت تاریخی را می‌توان آگاهی و دانش به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر تاریخی و اهتمام تاریخی دانست. در یک تقسیم‌بندی عام، می‌توان علوم را به دو قسمت تقسیم کرد: علوم پایه و علوم هویت‌ساز (جاویدی، ۱۳۹۳: ۳۱).

علوم پایه، علمی هستند که جنبه جهانی و عمومی دارند؛ مانند: علوم تجربی، ریاضی که در میان هر قومی، استفاده از آنها یکسان است و مسائل آنها به کل بشریت مربوط می‌شود. دسته دیگری از علوم وجود دارند که برای ملت‌ها هویت‌ساز هستند و با ماهیت یک ملت به هم گره خورده‌اند. فیزیک دانش بسیار با ارزشی است، اما هرگز هویت یک ملت را نمی‌تواند شکل دهد. آنچه که هویت کشور ما را می‌سازد، ادب و فرهنگ ماست؛ تاریخ اسطوره‌ها و همه آن چیزهایی که خاص جامعه ایرانی است. تاریخ عبارت است از آموختن گذشته برای زمان حال. شناخت زندگی مردمان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به ما کمک می‌کند تا درک درستی از هویت‌مان بدست آوریم. ما با شناخت گذشته از کیستی یعنی هویت خود آگاه می‌شویم و به این سطح از آگاهی می‌رسیم که بعنوان فرد، جایگاه‌مان در خانواده و جامعه، و بعنوان یک ملت، جایگاه‌مان در سطح جهانی چیست. ما می‌آموزیم که خانواده‌هایمان از کجا آمده‌اند و چگونه آداب و رسوم و سنت‌ها از نسلی به نسل دیگر

انتقال یافته و تا به امروز به ما رسیده است (پاکدل، ۱۳۸۲: ۵۴). میراث گذشته عبارت از تمام چیزهایی است که از نسل‌های گذشته به ما رسیده‌اند و برای آنها ارزش قائلیم. این میراث گذشته است که واقعیت امروز ما را تشکیل می‌دهد. بخش عظیمی از هویت ملی انسان‌ها در تاریخ آشکار می‌شود که ابزار قدرتمندی برای انتقال اطلاعات درباره شیوه آداب و رسوم تمدن‌ها و انسان‌هاست. گذشته ویژگی‌ها و عناصری دارد که انسان با بکارگیری آنها می‌تواند به تجربیاتی مفید در زندگی خود برسد. این عناصر و مولفه‌ها، از ابتدا تا به حال در تداوم حیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انسان‌ها تاثیر عمده داشته‌اند. بنابراین بهترین فرصت برای رسیدن به این اطلاعات درس تاریخ است. برای تمام ملت‌های جهان، هویت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع، هویت ملی برای یک ملت، به منزله روح برای بدن است که فقدان آن به منزله مرگ خواهد بود. هویت ملی، هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و معرفه آن در میان ملل دیگر است. در واقع، قوام و دوام زندگی توأم با عزت و آزادی یک ملت، به هویت ملی آن در معنای عام و گسترده بستگی دارد. باید توجه داشت که هویت ملی مسأله‌ای انفرادی، شخصیتی و روانی نیست، بلکه پدیده‌ای جمعی است که به بنیادهای فرهنگی، تاریخی و اعتقادی یک ملت مربوط می‌شود، هویت ملی ریشه در اعماق تاریخ و فرهنگ یک ملت را دارد و با سرشت تک تک افراد یک جامعه در آمیخته است. آنچنان که اگر جان برود، آن نمی‌رود. این کیفیت خاص یک ملت نیست، بلکه همه ملت‌های بزرگ و صاحب تمدن چنین هستند. حتی در مواردی هم که ملتی سرزمین خود را از دست داده و آواره شده است، همچنان هویت جمعی و ملی خود را حفظ کرده و بعدها بر مدار و محور آن خود را باز یافته است. تاریخ به صورت خاص نقش حساسی در هویت ملی یک ملت دارد. ریشه‌های هویت یک ملت در تاریخ آن است و هویت ملی به مانند ساقه‌ای است که همه اجزای فرهنگی یک ملت براساس آن وحدت می‌یابند. تاریخ نشان می‌دهد که چگونه سرگذشتی مشترک برای همه ما وجود داشته و چرا سرنوشتی واحد برای همه ما در پیش است. در این راستا، درس و علم تاریخ برای ما سرمایه‌ای گرانبهاست. فرایند اصلی و اساسی هویت‌یابی شعور یافتن بر خویشتن است. هر چند کتاب و کلاس درس تاریخ را نمی‌توان بازتاب کامل و تمام‌عیاری از تاریخ-نگاری دانست، اما بدون شک در بر دارنده شاکله اصلی و عناصر اساسی تاریخ‌نگاری یک ملت است، از همین طریق است که طرح کلی تاریخ و به عبارتی تعریف هویت ملی به دانش‌آموز یعنی نسل آینده منتقل می‌گردد. تأکید بر درس تاریخ در تمامی کشورها بعنوان جزئی اساسی از برنامه آموزش به همین دلیل است. زیرا هیچ قسمت از فرهنگ جامعه به اندازه تاریخ در هویت‌بخشی موثر نیست. عناصر زبان، هنر و ... هر چند جایگاه خود را دارند اما این تاریخ است که هم عنوان بستر عمومی شکل‌گیری آگاهی نسبت به خویش و هم گردآورنده دیگر عناصر سازنده هویت ملی در یک طرح معنی‌دار و عمومی آنها را کارساز می‌گرداند. در شرایط کنونی

فرهنگ در جامعه جهانی که هویت ملی با شرایط نوینی روبرو شده است، آموزش تاریخ سرمایه بزرگی برای حفظ هویت ملی به شمار می‌آید (افضلی، ۱۳۸۹: ۳۱).

۵-۲- ایجاد وحدت ملی

در میان کتاب‌های حوزه علوم اجتماعی و انسانی، کتاب‌های تاریخی در انسجام و همبستگی ملی و ایجاد روحیه تعاون و همکاری و تعهد نسبت به حکومت‌های جاری نقش کلیدی دارد. وحدتی که از اطلاع بر تاریخ حاصل می‌شود، ریشه‌های عمیق و مبانی مستحکم دارد و به آسانی گسسته نمی‌شود و در آن خلل راه نمی‌یابد. وحدت برخاسته از تاریخ فراتر از مصلحت‌اندیشی‌ها و حسابگری‌های معمول و متعارف است. چنین وحدتی از تعالی جویی، ترقی خواهی و بلندنگری منبعث است و از خردمندی و درایت فراوان حکایت می‌کند. در همه کشورها و در میان همه ملت‌ها، نظر به اهمیتی که وحدت ملی و وفاق اجتماعی دارد، از راه‌های گوناگون در جهت تحکیم وحدت ملی، تلاش و کوشش شایسته صورت می‌گیرد، تاریخ تأثیر به‌سزایی در این امر دارد، از این علم نیز نهایت استفاده را در این منظور به عمل می‌آورند. واقعیت آن است که تاریخ، صرف‌نظر از هر بحث علمی و فلسفی و نظری، دارای این کارکرد اساسی است که انسان را در برابر مخاطراتی که لاجرم پیش‌روی او قرار خواهند گرفت، مصونیت می‌بخشد. همه ملت‌ها در مسیر تاریخ خود با فراز و فرود، پیشرفت و عقب ماندگی، پیروزی و شکست و ... مواجه می‌شوند و در واقع، خطر انحطاط اخلاقی، تجزیه ارضی، گسستن وحدت ملی، زوال حاکمیت ملی، حمله خارجی و ... هیچگاه بطور کامل برای کشورها از بین نمی‌رود. علاوه بر این، نیاز به متحد ساختن مردم، همدل کردن آنها، ایجاد باور به سنت‌ها، وضع و اجرای قوانین و ... از نیازهای عمومی همه جوامع هستند. تاریخ نیز نقش بسیار مهمی در آماده‌سازی ملت‌ها برای حفظ و بقای جامعه خویش با تلاش برای ترقی و پیشرفت دارد تاکید تام و تمام بر وحدت یک ملت با بیان سرگذشت مشترک آنها، ایجاد همدلی و همدردی در میان‌شان در خصوص وقایع ممکن می‌گردد. تحکیم وحدت ملی با ملموس ساختن منافع عمومی و نشان دادن پیوسته بودن سرنوشت آنها، همگی بوسیله ی تاریخ صورت می‌گیرد.

سرنوشت مشترکی که ملت ما در طول تاریخ داشته - اعم از موفقیت‌ها و شکست‌ها - موجب نوعی از وحدت ملی شده است. این امر، اهمیت درس تاریخ را در میان سایر دروس نشان می‌دهد. همین جایگاه تاریخ را در دروس دیگری مثل ادبیات فارسی یا دروس دینی هم می‌بینیم. آنها هم به وحدت ملی و حفظ فرهنگ و آرمان‌های ملی و مذهبی در جامعه ما کمک می‌کند. از این‌رو تاریخ در کنار زبان فارسی، فرهنگ و هنر دینی ایفاگر نقش مهمی در هویت و معنویت این ملت است که اساس وحدت آن را نیز تشکیل می‌دهد. هر اندازه آموزش تاریخ به خصوص در سطوح آموزش‌های عمومی و متوسطه و رسانه‌ها توسعه یابد، بهره‌گیری ما از آن برای توسعه و تحکیم وحدت ملی بیشتر خواهد بود. زیرا تاریخ به مثابه قول مشترک از سرنوشت واحد خویش

است. در پرتو چنین قول واحدی، همکاری، همدلی، اتفاق و وفاق میان مردمان مستحکم‌تر و پایدارتر خواهد شد (آزمون و حسنلو، ۱۳۹۱: ۸۳).

۵-۳- عبرت‌آموزی

تاریخ وسیله‌ای برای عبرت‌آموزی است. از مطالعه تاریخ می‌توان تجربه‌ها اندوخت و نکته‌ها آموخت و از رهگذر شناخت گذشته به برنامه‌ریزی برای آینده و ساختن دنیایی جدید دست زد. آیات قرآن تاریخ را منبع عبرت-آموزی می‌داند از انسان‌ها می‌خواهد که در مورد ایام گذشته تفکر و تأمل کنند و از حوادث و رویدادهای سابق عبرت بگیرند. تاریخ برخلاف تصور عامه انسان‌ها، جنبه تفرنی و سرگرمی ندارد، بلکه منبع شناخت، عبرت-آموزی و هدایت انسان است که اگر آگاهانه و بدون غرضی بکار گرفته شود، می‌تواند مایه سعادت انسان گردد. توجه به تاریخ و دگرگونی‌های آن این فرصت را به انسان عرضه می‌کند که از آنچه دیگران عرضه انجام داده‌اند درس عبرت بگیرد. اینکه ابن‌الخلدون کتاب خود را تاریخ العبر نام می‌نهد پیداست که تا چه حد به تجربه تاریخی اهمیت می‌داده است. رویدادهای تاریخی اگر در جزئیات هم با هم اختلاف دارند، اسباب و موجبات کلی آنها و تدابیری که برای برخورد با آنها می‌توان اتخاذ کرد تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و گذشته یک قوم و یک فرد برای قوم و فرد دیگر می‌تواند سودمند باشد. در واقع تاریخ تجربه‌های گذشته را به تجربه‌های کنونی ما می‌افزاید و زندگی ما را پرمایه‌تر می‌کند. نقشی که تمدن‌های باستانی از نظر تربیتی در رشد و شکل‌گیری جوامع بعد از خود داشته‌اند حائز اهمیت است. با نگاهی به گذشته تاریخی تمدن‌ها در می‌یابیم که انسان‌ها از یک دیگر می‌آموزند.

۱۴۲

صاحبان این تمدن‌ها تنها به یافته‌ها و آموزه‌های خود بسنده نکردند بلکه همچون کالاهایشان، نظرهایشان را نیز معاوضه کردند و زندگی خود را شکل دادند. کسانی که گذشته را مورد مطالعه قرار می‌دهند به نقش تاریخ در تربیت واقفند. چنان که رژه گال معتقد است: "اگر موضوعی از گذشته باشد، همان تربیت است"، زیرا در تمدن بشری هزاران آزمایش را می‌شناسیم که نیاز به آزمون مجدد آنها نداریم. همچنین ولتر فرانسوی معتقد است که: تاریخ فقط منحصر به شرح جنگ‌ها و ذکر سلسله سلاطین و حکمران‌ها و وقایع آنها نیست، بلکه عبارت است از وصف زندگی مردم گذشته با تمام معانی که از زندگی موردنظر است، یعنی تمام جنبه‌های سیاسی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی بشر. با مطالعه منابع تاریخی در می‌یابیم که تاریخ برای حکومت‌گران، قدرت پیش‌بینی تحولات و رویدادهای آینده را در پی دارد، حتی فرمانروایان تاریخ را معلم و مشاور خود می‌دانستند و از آن درس عبرت می‌گرفتند (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۲). در متون تاریخی، به مطالعه تاریخ گذشتگان و موضوعی که انسان از آن پند گیرد، درس عبرت می‌گویند. تأکید بر اصرار و مطالعه حوادث تاریخی به منظور شناخت و پی بردن به علل ظهور تمدن‌ها، انهدام اقوام و ملل و کیفیت بروز انقلاب‌ها و تحولات تاریخ و

همچنین به منظور عبرت گرفتن و درس گرفتن و بکار بستن قوانین تاریخی و پیروی از سنت‌های تغییرناپذیر آن است (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۳).

۶- تأثیر روش تدریس پژوهش محور در آموزش درس تاریخ دوره متوسطه

یکی از درس‌های مهم از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی در نظام آموزشی هر کشور از جمله ایران، درس تاریخ است که به خصوص در دوره متوسطه دوم (پایه دوازدهم) و پیش‌دانشگاهی در رشته علوم انسانی از جایگاه بالایی برخوردار است. با وجود این، بنابه دلایل متعددی، از جمله نداشتن درک درست از اهمیت و جایگاه آن در تربیت و پرورش نسل‌های آینده، این درس مورد توجه ویژه و در ردیف درس‌هایی چون فیزیک، شیمی یا حتی ادبیات قرار ندارد. مدیران مدارس، اولیای دانش‌آموزان و خود دانش‌آموزان، در خیلی از موارد از آن بعنوان درسی نمره‌آور که تا حد امکان باید قبولی دانش‌آموزان را بالا ببرد، نگاه می‌کنند. در اینجا تنها به گوشه‌ای از اهمیت درس تاریخ اشاره می‌کنیم. در زبان متعارف، تاریخ را شرح و وصف وقایع گذشته می‌دانند: «هنگامی که امری زمان‌اش منقضی گردید و به گذشته تعلق یافت، در زمره تاریخ به شمار می‌آید». تاریخ انباشته از تجربه‌های گذشتگان است و یکی از بهترین وسایل تربیت جوانان محسوب می‌شود. تربیتی که از مطالعه و درک تاریخ به دست می‌آید، بسیار مفید و موثر است. و شاید بتوان گفت، مهمترین نتیجه‌ای که از مطالعه تاریخ و تفکر درباره آن به دست می‌آید، تربیت است. در عین حال،^{۱۴۳} تاریخ رابط بین نسل‌های گذشته با نسل حاضر و نسل‌های آینده است و رابط زمان گذشته با حال و آینده به شمار می‌رود. بدون تردید، ریشه وقایع زمان حاضر در گذشته است و اگر ما از این نظر گذشته را مورد مطالعه قرار دهیم، نه تنها فقط خاطرات درگذشتگان را مرور نکرده‌ایم، بلکه تاریخ را علمی زنده و پویا می‌بینیم. امیل دورکیم، جامعه‌شناس مشهور نیز به ارتباط حال با گذشته اعتقاد دارد و می‌گوید: «در حقیقت تاریخ چیزی جز تجزیه و تحلیل حال نیست؛ چراکه در گذشته است که می‌توانیم عناصر و عوامل تشکیل دهنده حال را بیابیم». یکی از وظایف مهم نظام آموزش و پرورش به خصوص در درس تاریخ، «حفظ موارث فرهنگی» جامعه و انتقال فرهنگ و تمدن گذشته به نسل‌های حاضر و آینده است. توجه به گذشته ایجاب می‌کند که برنامه‌های تعلیماتی، محصولات ادبی گذشته را مورد توجه قرار دهد و افراد را با میراث معنوی گذشته آشنا سازد. در مطالعه هدف‌های آموزش و پرورش یکی از موارد مهم ذکر شده: «آشنایی با فرهنگ و سنن جامعه اسلامی ایران و شکوفا کردن ذوق هنری و حس زیباشناسی و احترام به قانون و ایجاد عادت مطلوب برای رعایت آن» است که این مهم، با آموزش درست درس تاریخ امکانپذیر خواهد بود. یعنی یکی از راه‌های مهم انتقال عقاید، عادات و بطور کلی فرهنگ هر جامعه‌ای به نسل‌های حاضر و آینده و حفظ هویت ملی مذهبی، آموزش تاریخ و آشنا کردن دانش‌آموزان با دستاوردهای تمدنی و فرهنگی گذشته است.

امروزه، در تمامی سطوح تحصیلی و در هر درسی، صحبت از روش‌های فعال تدریس است که آن را بعنوان راه‌حلی برای دست یافتن به بازدهی بهتر فرایند یاددهی یادگیری مطرح می‌کند: «روش‌های فعال تدریس، یکی از مسائل مطرح در نظام آموزشی نوین است، تقریباً در تمام رشته‌های آموزشی، بنحوی سعی در ایجاد تغییر در ساختار آموزش سنتی دارند و تلاش می‌کنند، با استفاده از راهکارهایی، انگیزه دانش‌آموزان را برای یادگیری افزایش دهند و مشارکت آنها را در امر یاددهی و یادگیری برانگیزانند». «دانش‌آموزان، بسیاری از مطالب را از یکدیگر یاد می‌گیرند. برنامه‌ریزی و همکاری با هم، نه تنها از نظر رشد اجتماعی به آنها کمک می‌کند، بلکه از جنبه رشد شناختی نیز باعث رشد و شکوفایی آنان می‌شود ... توصیه می‌شود، فعالیت‌های مشارکتی نقش بیشتر و برتر در کلاس درس داشته باشد».

و این آغازی بود بر راه روش‌های فعال تدریس در تمامی درس‌ها که شامل حال درس تاریخ نیز شد و براساس آن، روش‌های متفاوتی چون: (۱) روش تدریس اعضای تیم؛ (۲) روش ایفای نقش؛ (۳) روش تدریس بارش مغزی؛ (۴) روش تدریس کاوشگری؛ (۵) روش تدریس پروژه؛ (۶) روش تدریس پیش‌سازمان دهنده؛ (۷) روش تدریس تسلط‌یاب؛ (۸) روش تدریس دریافت مفهوم؛ (۹) روش تدریس الگوی بدیعه‌پردازی؛ (۱۰) روش همیاری در یادگیری و غیره؛ مطرح گردیدند. به علاوه، برای هر یک از این روش‌ها، محاسن فراوانی در مقابل روش سنتی تدریس مطرح شد و به چاپ رسید. با پیشرفت علوم و فنون و پیچیده شدن جوامع، نیازهای فردی و اجتماعی نیز پیچیده می‌شوند. برآوردن نیازهای پیچیده نیز به نوبه خود به علوم و فنون مدرن احتیاج دارد و کسب علوم و فنون، در پرتو روش‌های آموزشی فعال امکانپذیر است. به این سبب، وظیفه و مسئولیت معلم امروز نسبت به گذشته، سنگین‌تر شده است. دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی، جامعه و افراد آن را به سوی تحول و پیشرفت سوق داد، یا با طرز تلقی گذشته، به دانش‌آموز و تربیت او نگرست. همه کسانی که با روش‌های سنتی آموزش دیده‌اند، لحظاتی را به خاطر می‌آورند که نشستن سرکلاس، گوش دادن به صدای یکنواخت معلم، از بر کردن مطالب درسی بدون فهم و درک، دلهره و اضطراب ناشی از امتحان، و تحمل سرزنش معلمان و والدین، چگونه موجب نفرت و گریز از کلاس، درس و محیط آموزشی می‌شد.

در نهایت می‌توان بیان نمود که برنامه درسی تاریخ دوره متوسطه دوم به لحاظ تعلق داشتن به گروه سنی خاص که از تفکر انتزاعی سطح بالایی برخوردارند و به لحاظ محتوایی آنکه بر نگرش و گرایش اساسی دانش‌آموزان تاثیرگذار است، اهمیت زیادی دارد. علاوه بر این، به دلیل حجم گسترده اطلاعات و تنوع و گوناگونی آن در عصر کنونی، از نظر محتوایی دانش‌آموزان را برای زندگی در شرایط واقعی آماده نماید و باید روش تدریسی مدنظر باشد که در پردازش صحیح اطلاعات و قضاوت صحیح یاری‌گر دانش‌آموزان بوده و القا کننده هویت ملی در دانش‌آموزان باشد.

نتیجه‌گیری

شیوه آموزش درس تاریخ در ایران، بیشتر، روش سنتی سخنرانی یا روخوانی کتاب است. در این روش، کتاب انبار اطلاعات، معلم انتقال دهنده آن و دانش آموز عنصر منفعلی است که باید آن اطلاعات را به خاطر بسپارد. این روش دلزدگی و حتی تنفر نسبت به درس تاریخ را در دانش آموزان ایجاد می‌کند، در حالیکه برای ایجاد قدرت تفکر، پرسشگری، پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دانش آموزان، باید قالب خشک و متصلب تدریس را که به فضای کلاس، کتاب و معلم محدود می‌شود، شکست و به روش‌های دیگری روی آورد. در واقع در عصر اطلاعات، انتقال اطلاعات نباید هدف باشد بلکه تحلیل و پردازش اطلاعات هدف است و این نیز ضمن استفاده از روش‌های نوین تدریس، به اصلاح رویکردهای اساسی نیاز دارد. بسیاری از صاحب‌نظران تربیتی معتقدند که فقر تفکر دانش آموزان نتیجه حاکمیت روش‌های سنتی در مدارس است. تحقیقات انجام شده در این زمینه بیانگر آن است که هنوز بسیاری از معلمان، بیشترین زمان کلاس خود را صرف ارائه مطالب یا جمع‌آوری مجدد شرح سوال‌هایی می‌کنند که صرفاً حقایق ساده علمی را می‌طلبند و فقط یک درصد از زمان صرف شده در کلاس درس را به سوال‌هایی اختصاص می‌دهند که به پاسخ متفکرانه نیاز دارند. باید دانش آموزان را بگونه‌ای جذب درس تاریخ و فلسفه حاکم بر آن کرد. یکی از اهداف آموزش تاریخ که بعد از پایان درس و مدرسه آنان خود به دنبال تاریخ و چراغ‌های موجود در آن بروند و به تحقیق و تفحص در تاریخ بپردازند. آنان باید ضمن اشراف بر جزئیات تاریخ، روح حاکم بر کل تاریخ را درک کنند. باید روح کنجکاوی، جستجوگری، دنبال کردن علت‌ها و نتایج حوادث تاریخی و نقش آنها در زندگی حال و آینده را در دانش آموزان ایجاد کنیم. برای رسیدن به وضعیت مطلوب نیاز به تلاش و کوششی همه‌جانبه و در همه سطوح خواهد بود. بدون شک در قدم اول تاریخ در پژوهش نیازمند بازنگری است. با انجام تألیفات جدید و نوآوری‌ها می‌توان عرصه‌های جدیدی از کارایی و کارآمدی را برای تاریخ سراغ گرفت. باتوجه به نقش آموزش تاریخ در تقویت هویت ملی و مذهبی دانش آموزان و عبرت‌آموزی درس تاریخ، توجه به آموزش این درس در دوره متوسطه ضروری و با اهمیت است. از جمله روش‌های کارآمد و فعال در این حوزه می‌توان به روش‌های زیر اشاره کرد: روش‌های پژوهش محور مبتنی بر استفاده از ICT در کلاس درس با کمک و راهنمایی معلم، روش پروژه، روش مسئله محور، روش منبع یا روش سنتی برای مراجعه به منابع تاریخی و روش مباحثه‌ای جهت تقویت تفکر انتقادی. از جمله اهداف مهم آموزش تاریخ در همه کشورها، علاقه‌مند نمودن دانش آموزان به مطالعه تاریخ است. در راستای این هدف کلی، قدم اول، باتوجه به یافته پژوهش حاضر اصلاح روش‌ها و فنون تدریس است. استفاده از یک چارچوب برنامه درسی تلفیقی یعنی بکارگیری روش‌های نوین و فعال و مطرح در دنیا می‌تواند چارچوب مناسب و سازمان یافته‌ای را فراهم سازد. گذراندن دوره‌های ضمن خدمت

معلمان در زمینه اجرای روش‌های پژوهش محور، حل مسئله، استفاده از روش مباحثه‌ای جهت تقویت تفکر انتقادی- بکارگیری وسایل آموزشی و کمک آموزشی و فراهم کردن آنها از سوی نهادهای ذیربط- بازنگری راهنمای برنامه درسی تاریخ باتوجه به تحولات روز دنیا- تأکید در بکارگیری مهارت‌های فرایندی- طرح سوالات بحث‌برانگیز در پایان بخش‌های مختلف کتاب، انجام پژوهش‌های تطبیقی در حوزه آموزش تاریخ از جمله مهمترین تغییرات مورد نیاز در این زمینه است.

فهرست منابع

- ۱- آزمون، جواد و محمدباقر، حسنلو (۱۳۹۱)، «معلمان تربیت بدنی و الگوهای تدریس»، **نشریه آموزش تربیت بدنی**، دوره ۱۳.
- ۲- بهرنگی، محمدرضا و طیبه، آقایی، (۱۳۸۳)، «تحول ناشی از تدریس مشارکتی از نوع جیگ ساوز وضعیت سنتی تدریس»، **نشریه آموزش**، ش ۱۰.
- ۳- شعبانی، حمید (۱۳۸۲)، **مهارت‌های آموزشی و پرورشی روش‌ها و فنون تدریس**، تهران: نشر سمت.
- ۴- احمدی، علامرضا (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر یادگیری اکتشافی بر پیشرفت تحصیلی و کنجکاوی دانش‌آموزان در درس تاریخ»، **فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی**، ش ۲.
- ۵- افضل، لیلا (۱۳۸۹)، «اثر بخشی یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی و رفتار اجتماعی دانش‌آموزان»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم تربیتی**، دانشگاه تهران.
- ۶- بازرگان، عباس (۱۳۷۶)، «روش‌های ارزیابی تأثیر دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان»، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، ش ۴۰.
- ۷- پاشاشریفی، حسن و سید ابوالقاسم، مهری‌نژاد (۱۳۹۴)، «بررسی اثربخشی تدریس به شیوه حل مسئله و ارزشیابی براساس شاخص‌های پژوهشگران در پرورش روحیه پژوهشگری»، **نشریه نوآوری‌های آموزشی**، ش ۱۴.
- ۸- پاکدل، لطیف (۱۳۸۲)، «مقایسه اثربخشی روش تدریس فعال و سنتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی آموزش و پرورش فریدن در سال ۱۳۸۱»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی**.
- ۹- جاویدی، زهره (۱۳۹۳)، «بررسی محتوای کتاب تفکر و پژوهش و تأثیر آن بر ارتقای مهارت پژوهشی و روحیه پژوهشگری و گرایش به تفکر انتقادی دانش‌آموزان ششم ابتدایی»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد**، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۰- جهانی، جعفر (۱۳۹۷)، «آموزش تفکر خلاق به نوجوانان: رویکرد پژوهش‌محور»، **مجله اندیشه‌های نوین تربیتی**، ش ۴.
- ۱۱- سلسبیلی، نادر (۱۳۹۵)، «کاربرد رویکرد حل مسئله در سطوح پایین‌تر شناختی: درس‌های اجتماعی و انسانی دوره ابتدایی»، **همایش نوآوری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی**.

- ۱۲- سلیمان پور، جواد (۱۳۸۰)، **مهارت‌های تدریس و یادگیری**، ج ۱، تهران: انتشارات احسن.
- ۱۳- شیرزاد، زینب (۱۳۹۱)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس روحیه پژوهشی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر مشهد»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد**.
- ۱۴- فضلی‌خانی، منوچهر (۱۳۸۵)، **راهنمای عملی روش‌های فعال و اکتشافی در آموزش**، تهران: چاپ گوهر.
- ۱۵- کرامتی، مراد (۱۳۸۴)، **یادگیری مشارکتی**، ج ۲، مشهد: انتشارات فرا انگیزش.
- ۱۶- یوسفی، فریده (۱۳۹۲)، «الگوی علی هوش عاطفی، رشدشناختی، تنظیم‌شناختی عواطف و سلامت عمومی»، **پایان‌نامه دکتری علوم تربیتی، دانشگاه شیراز**.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی